

## روز مادر

ای لولوی والا گهر کشور افغان  
وی گرمی هر خانه سرد دل انسان  
خود سوزی و آتش زدنت بهر چه باشد  
ببریدن حلقوم و زبان ای زن افغان  
از خون تو سرخست هزار لاله صحرا  
بگریست ز غمت آهوی هر دشت و بیابان  
زجرت بکردند چرا بی خردان وای  
سنگسار نمودند ترا طالب نادان  
کردند ز جفا زنده به گورت زن افغان  
آنانکه بود دور ز اسلام و زقران  
فریاد به عرش میرسد از ظلم و شرارت  
از جبر زمان و ستم و جور لعینان  
یک چشمه چو گردد زمام دار کشوری  
سر تاسر کشور شود مخروبه و ویران  
نه چینی، چنین دیده نه از بیک و تاتار  
بر خیز قیامی دگری، ای ملت افغان  
انگلیس اگر موج شرارت زده امروز  
فردا بکیفر رسد از قدرت یزدان  
خون شد حنای کف داماد شب وصلش

مظلوم کفن پوش شده، در حجله جانان

بیچارگی مادر افغان که ندیده است

یک لقمه نانی خوشی در دست یتیمان

تا لقمه نانی به کف آورد و نمیرد

افسوس به راکت زده شد سرو خرامان

دزدان ز ارگ کرده چپو دالر و زر را

این بار فروش کرده یگان شهر شهیدان

آغاز ز هری کرده تا شهرک گوشته

هم کامه فروش رفته و هم غور و سمنگان

باخط دیورند فروش گشته کنر هم

زنهار نفروشنند ز وطن خوست و پروان

مادر! بروزت مبارک خواهم از رب جلیل

میهننت آزاد خواهم از خدای انس و جان

مردم دنیا بدست تو سعادت یافتند

تربیت از دامننت آغاز یافته نخبگان

رنج و درد تو، کیفر میدهد انسان را

نیست فردای بجز تو در زمین و آسمان

از سجایای مزید مادر و روزش "نهان"

کی بود دانش ترا تاکنی وصفش بیان

محمد آصف "نهان" سدنی آسترالیا یازدهم می 2013